

مایکل کوپرسون

مامون

لاکھنؤ
نشر نگاه معاصر

ترجمہ ی ہاشم بناء پور

فهرست

۹.....	قدردانی
۱. مقدمه	
۱۳.....	حمله مأمون به هرم
۱۴.....	خلیفه عالم
۱۶.....	جهانی که اسلام به ارث برد
۱۷.....	مسلمین: اقلیتی منشعب
۲۰.....	ظهور عباسیان
۲۱.....	مسئله منابع
۲۴.....	
۲. تعلیم و تربیت	
۲۷.....	پدران و مادران، والدین ناتنی و والدین رضاعی
۲۷.....	موقعیت طبیعی و فضایی آرام
۲۹.....	تحصیلات مقدماتی
۳۲.....	علم نحو
۳۳.....	شعر
۳۴.....	
۳۶.....	تاریخ و حدیث
۳۷.....	یادگیری اندیشیدن
۴۰.....	میراث ایران

۴۲	پرسش فقه
۴۴	شخصیتی باورنکردنی؟
۴۷	۳. اولین بحران جانشینی
۵۰	جانشین هارون الرشید
۵۲	مأمون تنها رها شد
۵۳	قوای جدید در خراسان
۵۵	جنگ داخلی
۵۸	تسخیر بغداد
۵۹	مرگ امین و بحران مشروعیت
۶۳	۴. دومین بحران جانشینی
۶۶	مدعای [حضرت] رضا برای امامت
۶۸	پایان جهان
۷۰	توسل به مسلمانان ایران
۷۱	واکنش اهل سنت متقدم
۷۴	سیاست وارونه
۷۶	بازگشت مأمون به بغداد
۷۷	سیاست بعدی مأمون در طرفداری از علویان
۷۹	واکنش‌های بعدی شیعه
۸۱	زائران مشهد
۸۵	۵. علم و عقل‌گرایی
۸۷	میراث علم باستان
۸۸	نهضت ترجمه
۹۱	اندازه‌گیری زمین
۹۴	طب یونانی در بغداد
۹۸	کتاب الحیل
۱۰۱	پیشرفت‌هایی در ریاضیات

۱۰۵	نقشه جهان
۱۰۷	خصوصیت با علمای اهل ظاهر
۱۰۹	۶. مدافع ایمان
۱۰۹	مرکزگرایی و سپاه جدید
۱۱۱	نبردهای بیزانسی
۱۱۳	قبة الصخرة
۱۱۴	تحریک اهل ظاهر
۱۱۷	محنه (نفتیش عقاید)
۱۱۹	مقاومت علما
۱۲۲	مرگ مأمون
۱۲۴	محنه پس از مأمون
۱۲۶	اهمیت تاریخی محنه
۱۲۹	مؤخره
۱۳۳	مآخذ
۱۳۷	نمایه

مقدمه

در سال ۲۱۷ هجری قمری خلیفه مأمون در دیدار از مصر تصمیم گرفت که پا به هرم خوفو^۱ بگذارد. در آن زمان، خوفو بزرگترین بنای دست‌ساخت بشر در جهان قلمداد می‌شد. این هرم با ارتفاع ۱۵۳ متر تقریباً سه برابر مرتفع‌ترین بنا در عراق بود، که خلیفه بدانجا تعلق داشت. حتی امروز هرم خوفو بسیاری از بناهای تاریخی جهان مدرن، از جمله بیگ بن^۲ لندن، و مجسمه آزادی نیویورک را تحت الشعاع قرار داده است. اما چون در اتوبان قاهره به جیزه بیلوردها و برج‌ها ردیف شده‌اند، جهانگردان کنونی هنگامی که در چند قدمی این هرم می‌ایستند تازه به عظمت آن پی می‌برند. در قرن دوم و سوم هجری قمری هیچ بنایی در مصر یا هر جای دیگر چندان مرتفع نبود، که جلو دید را بگیرد.

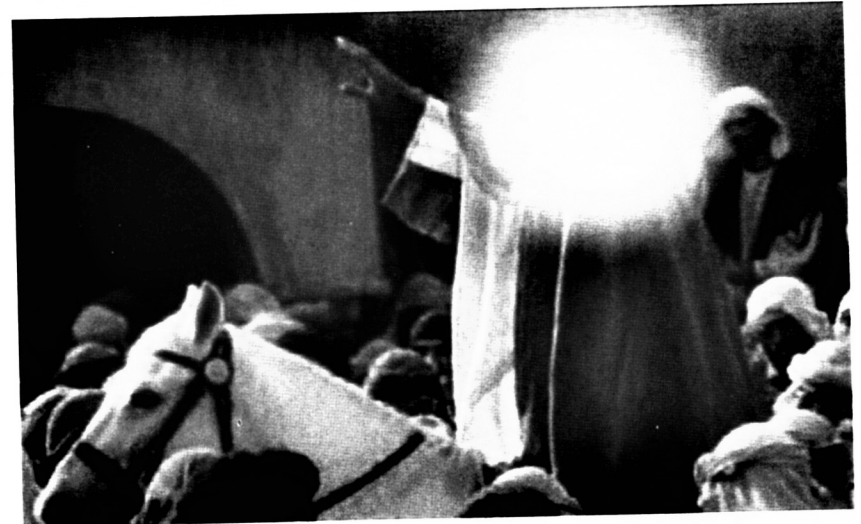
اهرام علاوه بر باشکوه‌تر بودن، بسیار اسرارآمیزتر نیز بودند. در دوران مأمون، مردم تنها چیزی که از تاریخ مصر باستان می‌دانستند ریشه در دین و اسطوره رایج داشت. در نتیجه، مردم در مورد اهرام فقط می‌توانستند خیال‌پردازی کنند. در یکی از افسانه‌ها آمده است که یوسف انبارهای غله برای فرعون ساخته بود. بنا به روایت کتاب مقدس «یوسف همه آذوقه هفت سال را که در سرزمین مصر بود، جمع‌آوری و همه آنها را در شهرها ذخیره کرد» (پیدایش، ۴۱: ۴۹-۴۸). در قرآن شرحی متفاوت آمده

1. Khufu

2. Big Ben



طاهر بن حسین فرمانده قوای مأمون در تدارک تسخیر بغداد در سریال ولایت عشق



علی بن رضا هشتمین امام شیعه و ولیعهد مأمون که در ولایت عشق به تصویر کشیده شد. عنوان این سریال تلویزیونی علی بن رضا در مقام امام است نه خلیفه مأمون. چهره [حضرت] رضا [ع] را با هاله‌ای پنهان می‌کردند، چرا که در تلویزیون ایران نشان دادن چهره‌های امامان ممنوع است

است، بنا برکتاب مقدس اسلام فرعون به یکی از وزیرانش دستور داد: «برایم کوشک بلندی بساز، به درهای آسمان دست یابم و خدای موسی را ببینم» (مؤمن، ۳۷-۳۶). همچنین افسانه‌هایی سراغ داریم که تاریخش به گذشته، دوران هلنی برمی‌گردد، که در آن روایت می‌شود که هرمس خدای کیمیاگری و نجوم، اهرامی ساخته بود تا اسرارش را ازگزند طوفان نوح در امان دارد. در جهانی که درباره تاریخ باستان اندک اطلاعی وجود داشت چنین افسانه‌هایی را همه کاملاً باور داشتند.

تنها راه آموختن در باب مصر باستان کشف رمز هیروگلیف‌ها بوده است. مأمون در بغداد علمایی را یافته بود که می‌توانستند سریانی و یونانی باستان را به عربی برگردانند. در مصر او در جست‌وجوی کسی بود که بتواند زبان مصر باستان را ترجمه کند. لذا پای او به قصه‌ای طولانی باز شد. بنا به روایت کسی به نام ایوب بن مسلمه، که در خواندن خطوط باستانی متبحر بود، به دستور خلیفه از خطوط اهرام، مقبره‌ها و تک‌ستون‌های سراسر کشور نسخه برداری کرد. سپس قطعاتی را هم که می‌توانست ترجمه کرد. متأسفانه آن قطعات درکنده‌کاری‌ها و دیوارنوشته‌ها به زبان یونانی و قبطی (زبان اخلاف مصر باستان به صورت جرح و تعدیل شده الفبای یونانی) محدود شده بود. ایوب اعتراف کرد که نمی‌تواند مفهوم هیروگلیف را درک کند. در نظرگاه او، اینها نمادهایی بودند براساس صور ستارگان و سیارات. به رغم نهایت کوشش ایوب از ترجمه متون مصری باستان چیزی عاید مأمون نشد.

حملة مأمون به هرم

مأمون را در سفر به مصر، عالمی مسیحی به نام دیونوسیوس^۱ اسقف اعظم آنتیاک^۲ (انطاکیه) همراهی می‌کرد. در این دیدار دیونوسیوس متوجه نقبی در ضلع شمالی هرم خوفو شد. او وارد راهرو شد و در آن چندقدمی برداشت و به بن بست رسید. از آن جایی که ساختار پیرامون او به نظر مستحکم می‌آمد، برایش مشخص شده بود که اهرام ابداً جای انبارهای غله [حضرت] یوسف نیست. به جای آن تصور می‌کرد پرستش‌گاه‌ها روی آرامگاه‌های پادشاهان باستان بنا شده است. به ظاهر، با توجه به

1. Dionysius 2. Antioch

گزارش اسقف اعظم در ابتدا نمی‌خواست وارد راهرو شود. برعکس می‌کوشید ضربه‌ای بزند تا هرم باز شود، یا آن را با ضربات منجیق خراب کند. چون، اهرام در حقیقت عمدتاً بناهایی محکم بودند و این ضربات در آنها کارگر نبود.

خلیفه دست بردار نبود، تصمیم گرفت راهرویی را که اسقف اعظم یافته بود، بیازماید، اگرچه بن بست می‌نمود. ممکن بود صرفاً دیواره‌ای باشد. بر مبنای این تصور، کارگران خلیفه در برابر دیواره آتش افروختند و سبب شد تا یک طرف دیوار منبسط و ترک بردارد. آنها همچنین شاید از سرکه استفاده کردند تا ملاط را که بلوک‌ها را به هم چسبانده بود، سست کنند. پس از آن‌که آوار را به کناری کشیدند، دریافتند که راهرو همچنان توی هرم عمیق‌تر می‌شود. نویسنده مصری سده ۱۳ میلادی / ۷ هجری قمری یافته‌های آنها را چنین توصیف می‌کند:

درون هرم راهروهایی بود به سمت بالا و دیگر راهروها رو به پایین. در ظاهر همه آنها ترسناک بودند. از میان آنها گذشتن کار شاقی بود. این راهروها به اتاق مکعبی هشت در هشت ذراع ختم می‌شد. در وسط اتاق حوضچه‌ای مرمرین بود، بالای آن را شکستند، درون آن به جز استخوان‌های پوسیده انسان چیزی نیافتند (Idrisi, 34-35).

در سال ۱۸۰۱ میلادی سیلوستر دوساسی^۱ شرق‌شناس فرانسوی در مقاله‌ای که انتشار داد می‌گوید که مأمون وارد هرم نشده است. اما در کار متأخر مصرشناسان اشتباه ساسی آشکار شده است که مدخل اصلی که سال‌ها پس از بنای هرم پوشیده شده بود، دیده نمی‌شد. بعداً سارقان مقبره دوره فرعون خودشان راهرویی زدند. این راهرویی بود که اسقفی خطر ورود به آن جا را به جان خرید، جایی که به کرات آن جا را مسدود کرده بودند تا کس دیگری وارد آن جا نشود. با گشودن این مدخل مردان خلیفه از دستیابی به راهروهایی که بنیان‌گذاران اصلی ساخته بودند، بهره جستند. توصیف نویسنده مصری از اندرونی بسیار دقیق است، یک رشته راهروهایی تنگ که به سمت پایین و بعد به سمت بالای راهرو بزرگ و مقبره فرعون کشیده شده است. چیزی نمانده بود که مأمون آن را پیدا کند. اما جست‌وجوی خلیفه کاملاً بی‌ثمر نبود، مدخلی که با آتش فروریخته بود، جایی است که اکنون میلیون‌ها جهانگرد از آن بازدید می‌کنند.

1. Sylvestr de Sacy